



معنای زندگی؛ مهم‌ترین مسئله الهیات هوش مصنوعی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه مهم‌ترین مسئله الهیات هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی معنای زندگی است...

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه مهم‌ترین مسئله الهیات هوش مصنوعی و شبکه‌های اجتماعی معنای زندگی است، تصریح کرد: انسان‌های جدید یا انسان‌های دیجیتال که در شبکه‌های اجتماعی زندگی می‌کنند، معنای زندگی را به واقعی کلمه از دست داده‌اند.

الهیات هوش مصنوعی از ایمان سیال تا رویای حریم خصوصیه گزارش‌کننده خبرنگار ایکن، همایش «هوش مصنوعی، تبلیغ دینی و ضرورت‌های تولید محتوا» صبح امروز ۲۳ مرداد، با حضور اساتید حوزه و دانشگاه در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد.

حجت‌الاسلام علیرضا قائمی‌نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سردبیر مجله ذهن درباره الهیات و هوش مصنوعی گفت: هوش مصنوعی یکی از فناوری‌های مهم و یا مهم‌ترین فناوری است که در قرن بیستم ظهور یافته و ریشه تاریخی دارد، اما تفاوت اساسی با فناوری‌های دیگر دارد و اندیشه ایجاد آن در میان فلاسفه جدید از زمان دکارت مطرح بوده که معتقد بودند، یک ماشین جهانی متشکل از مغزهای همه انسان‌هاست و ماشینی است که فکر می‌کند و آن را ماشین فکر یا ذهن می‌نامند و یا یک ماشین معرفت است، اما در قرن بیستم، تورینگ اولین هوش مصنوعی ساده را طراحی کرد.

وی افزود: این فناوری حاکم بر فناوری‌های دیگر است و اگر آن را با صنعت قطار مقایسه کنید، تفاوت بنیادی دارد. هر دو در جامعه بشری تغییر ایجاد کرد، اما تغییر هوش مصنوعی تغییر بنیادین است و همه فناوری‌ها از نتایج هوش مصنوعی بهره می‌برند. تفاوت دیگر در این است که علم بشر را مدیریت می‌کند و علوم مختلفی همچون علوم انسانی دیجیتال را شکل داده است. هوش مصنوعی با فناوری‌های دیگر

حجت‌الاسلام قائمی‌نیا با بیان اینکه هوش مصنوعی ذهن بشر را گسترش می‌دهد، گفت: زندگی و سبک زندگی بشر تحت تاثیر هوش مصنوعی بوده و ما می‌بینیم ابزارهای دیجیتال زندگی بشر را تغییر داده است. تفاوت دیگر هوش مصنوعی با فناوری‌های دیگر این است که شکل ارتباطی بشر را نیز تغییر داده و علاوه بر سهولت ارتباط شکل‌های دیگری از ارتباط را ایجاد کرده و این تاثیر عمده‌ای بر جوامع بشری گذاشته است.

وی در ادامه بیان کرد: بخش زیادی از مباحث هوش مصنوعی در دنیا انتقادی است، البته این طور نیست که کنار گذاشته شود، بلکه بخش زیادی از آن در رابطه با ارزیابی هوش مصنوعی است؛ بنابراین تفکر انتقادی را می‌طلبید که ماحصل تفکر انتقادی هوش مصنوعی توجه به معایب و مضرات آن از منظر علوم گوناگون است.

حجت‌الاسلام قائمی‌نیا تصریح کرد: الهیات را با مفاهیم دینی می‌شناسیم، در حالی که سنجش میان هر فکر و پدیده‌ای با مفاهیم دینی و نحوه سبک زندگی دینی که مفهوم گسترده‌تری دارد، مورد توجه است. الهیات به این معنا، مترادف با کلام جدید است و اولین بار شهید مطهری آن را بکار گرفت که در این علم، باید نسبت پدیده‌های جدید با دین روشن شود. از این رو کلام با این مفهوم یک ویژگی انتقادی داشته و نشان می‌دهد امری که می‌سنجیم چه مزایا و معایبی دارد. قدرت زبانی هوش مصنوعی

وی با اشاره به مفهوم هوش مصنوعی گفت: هوش مصنوعی اصطلاحی است که به کار می‌رود، اما دو حوزه دارد که مباحث نظری آن آینده پژوهانه است و ممکن است تحقق یابد و یا تحقق نیابد. مثلاً قدرت زبانی دارد و در این زمینه رشد کرده و اخیراً چت‌جی‌پی‌تی حاکی از همین قدرت زبانی است و بزرگترین دستاورد زبانی هوش مصنوعی به شمار می‌رود و می‌توان آن را گشایشی در حوزه هوش مصنوعی دانست که عملی شده است. بخش دوم فناوری‌های هوش مصنوعی، ترکیبی از ماشین و انسان است و قابلیت‌های جدیدی خواهد داشت و می‌توان آن را دوره ترابشریت خواند که می‌تواند برای الهیات مسئله مهمی باشد و اینکه دین تا چه حد می‌توان آن را مجاز بداند و اینکه آیا مجازیم مغز انسان را دستکاری کنیم یا خیر، حائز اهمیت است.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با بیان اینکه هوش مصنوعی به عنوان فناوری در محاسبات، پردازش اطلاعات، نوشتن متن و انجام حرکات بدنی و ... به بشر کمک نمی‌کند، بیان کرد: هوش مصنوعی فراتر از این است و برای بشر

امروزی منبع معرفت است و مفاهیمی که در هوش مصنوعی با آنها مواجه هستیم، جهان بینی و نگاه ما به دنیا را تغییر می دهد. مثلاً مفاهیمی چون سخت افزار و نرم افزار، کپی، پیست و ... در ظاهر مفاهیم ساده ای هستند و انسان های امروزی با این مفاهیم آشنا هستند، اما این مفاهیم مقولات فکری ما را شکل می دهند و وقتی می خواهیم درباره بسیاری از مسائل فکر کنیم، در همین چارچوب فکر می کنیم و اینها به فکر ما قالب می دهند، بنابراین در حوزه مفاهیم دینی نیز این اتفاق می افتد و وقتی به عالم فکر می کنند، در قالب سخت افزار و نرم افزار فکر می کنند و اینها ابعاد الهیاتی و فلسفی پیچیده ای دارد و مغز سخت افزار فکر انسان است. الهیات هوش مصنوعی شامل دو بخش است، الهیات نظری که از مفاهیم و تئوری های نظری بحث می کند و بخش دیگر معطوف به فناوری های هوش مصنوعی است. این هم مسئله مهمی است که باید مورد توجه باشد.

حجت الاسلام قائمی نیا افزود: اکنون بخشی از کتاب هایی که در حوزه دین به ویژه در غرب نوشته می شود، از این مفاهیم کمک می گیرند و مفهوم خداوند و زندگی پس از مرگ را با کمک هوش مصنوعی تعریف کرده اند. یکی از ایده هایی که در علوم اجتماعی پس از هوش مصنوعی پدید آمد، مسئله آپلود مغز است و می تواند روزی برسد که شما بتوانید تمام اطلاعات مغز یک انسان را توسط یک دستگاهی مثل کامپیوتر آپلود و ذخیره کنید و این در حد یک فرضیه است و شاید روزی تکنولوژی به این فناوری دست یابد و برخی در همین راستا زندگی دیجیتال، خدای دیجیتال و ... را نیز مطرح کرده اند.

تشریح مفهوم الهیات دیجیتال

وی در ادامه به الهیات دیجیتال گفت: بخشی از الهیات مربوط به هوش مصنوعی با عنوان الهیات دیجیتال مطرح می شود و از خدای دیجیتال، زندگی پس از مرگ، زندگی دیجیتال و اینکه ربانها می توانند اراده آزاد داشته باشند، بحث می کند، اما بخش عملی فناوری های برخاسته از هوش مصنوعی نیز برای الهیات مسائل جدی است و الهیات می تواند با توجه به اصولی که دارد، چنین پدیده هایی را نقد کند.

وی با اشاره به رابطه الهیات هوش مصنوعی و رسانه گفت: هوش مصنوعی شکل ارتباط انسانی را تغییر داده و ارتباطات شکل پیچیده تری به خود گرفته است. ارتباطات در گذشته چهره به چهره بود، اما در شبکه های اجتماعی که هوش مصنوعی آنها را مدیریت می کند، این ارتباط شکل خود را از دست داده و مسائل معرفتی را به وجود آورده است. یکی از مشکلات در حوزه تشخیص هویت است؛ اینکه افراد می توانند در هویت های مختلف ظهور کنند و این رابطه به شکل هوش مصنوعی بوده است، بنابراین روابط خصوصی نیز از میان رفته و فرد سوم در روابط دخیل است و می تواند مورد هک قرار گیرد، از این رو هوش مصنوعی کوانتومی را مطرح می کنند که ضریب امنیتی بالایی دارد و کسی نمی تواند کدهای آن را شکسته و در آن دخالت کند.

وی ادامه داد: ارتباط بدون مداخله یک رؤیا در هوش مصنوعی است و به عبارتی حریم خصوصی حذف شده است. علاوه بر این اعتقادات انسان ها شکل سیال و لغزنده به خود گرفته و چندان با ایمان سفت و سخت مواجه نیستید و این یکی از مشکلاتی است که الهیات باید به آن ورود کند.

حجت الاسلام قائمی نیا با بیان اینکه مهمترین مسئله الهیات هوش مصنوعی و شبکه های اجتماعی معنای زندگی است، تصریح کرد: انسان های جدید یا انسان های دیجیتال که در شبکه های اجتماعی زندگی می کنند، معنای زندگی را به واقعی کلمه از دست داده اند و بشر در گذشته در زندگی خود معنایی داشت و این معنا را از منابع گوناگون به دست می آورد، اما کسی که دائماً در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی زندگی می کند و با هوش مصنوعی کار می کند، طبیعی است که چنین انسانی معنای زندگی را از دست می دهد و معنایی که در این فضا به دست می آورد، معنایی است که قائم به ارتباط است و این انسان دائم باید در جریان ارتباط باشد.

وی در ادامه با بیان اینکه با ظهور دینداری جدید مواجه هستیم، گفت: دینداری سنتی متفاوت است و یک نوع رابطه حضوری و معنوی است، اما دینداری جدید در یک فضای سیال شکل می گیرد و رهبران عصر دیجیتال رهبرانی هستند که در جریان اطلاعات فراوانی هستند و بسیاری از این اطلاعات عمق زیادی ندارد. از این رو ما با بروز دینداری عامیانه مواجه هستیم که با دینداری عوامانه متفاوت است، چرا که دینداری عوامانه، دینداری است که رهبرانی غیرمتخصص دارند و ظهور قشر جدیدی از رهبرانی است که در ظاهر اطلاعات گسترده ای دارند، ولی تفکر معنوی دقیقی ندارند و این یک مخاطره برای دینداری است و رهبری دینی سنتی با این نوع دینداری مواجه است.

هوش مصنوعی و مرجعیت دینی

حجت الاسلام محمدمهدی رفیع پور تهرانی، استاد حوزه علمیه قم در ادامه این همایش درباره هوش مصنوعی و مرجعیت دینی گفت: معمولاً فقها در مورد موضوعات جدیدی که پرونده آنها هنوز بسته نشده است، اظهار نظر نمی کنند و احتیاط می کنند، بنابراین اگر می خواهیم درباره این موضوع صحبت کنیم، براساس اطلاعاتی است که اکنون داریم. چون برخی پژوهشگران بیان

کرده اند که امکان ندارد، هوش مصنوعی به جای انسان فکر کند. اگر این را ۵۰ سال پیش می گفتند، می پذیرفتیم، اما اکنون این طور نیست، بنابراین ممکن است همین اطلاعات جدید نیز در آینده تغییر کند و برای ما قابل تصور نباشد.

وی افزود: بحث مرجعیت دینی و فقاقت دو ساحت دارد؛ یکی مربوط به فقیهان و فقه پژوهان است و دیگری مردم و مراجعه کنندگان. در واقع مرجع کسی است که مراجعه کننده دارد و خودش یک جهت کار است و مراجعه کننده ای هم دارد. همه ما وقتی با تاریخ فقاقت مواجه می شویم نسبت به پدیده های نوظهور و مسائلی که تولید آن از مغرب زمین آمده، با حالت مقابله و احتیاط برخورد کرده اند و این دلایل سیاسی، فرهنگی و نگرانی از هیمنه و سلطنت تکنولوژی و ... دارد و اکنون نیز همینطور است و بیشتر به دنبال محدودیت اینترنت، محدودیت استفاده از هوش مصنوعی و ... گام برداشته اند. در گام دوم وقتی می بینند نمی توان آن را انکار کرد و آحاد جامعه را درگیر کرده، سعی می کنند با آن مواجه شوند و در برخی موارد آن را کنترل کنند. توجه به هوش مصنوعی در حوزه

حجت الاسلام رفیع پور تهرانی ادامه داد: خوشبختانه در حوزه هوش مصنوعی در سال های اخیر، در حوزه علمیه کارهای خوبی شده و کارگروه های خوبی تشکیل شده و توجه ویژه ای به حوزه هوش مصنوعی داشتند که قابل تقدیر است.

وی تصریح کرد: اینکه بگوییم این فناوری خوب یا بد است، و یا در مقام موعظه برآییم، نمی تواند مؤثر باشد. چرا که همه ما در خانه خود یک دستگاه کامپیوتر داریم و از طریق آن با تمام دنیا در ارتباط هستیم. بنابراین چاره ای جز گفت وگو درباره آن نداریم و باید مزایا و معایب آن را عالمانه بررسی کنیم.

این استاد حوزه در ادامه درباره مسئله تتبع و منابعی که هوش مصنوعی می تواند بیش از یک مرجع و فقیه دسترسی داشته باشد، بیان کرد: بیش از ۱۵ سال است که با نرم افزارهایی سروکار داریم که زحمت جست وجو را برعهده گرفته اند و این مسئله پذیرفته شده است و مراجع نیز با آن مشکلی ندارند و به جای اینکه خودشان به صورت مستقل به منابع مراجعه کنند، از نرم افزارها استفاده می کنند و این محل دغدغه و اشکال نیست و دغدغه از جایی آغاز می شود که پالایش اطلاعات و به بیان علمی تر اجتهاد مطرح می شود. وقتی این داده ها جمع آوری شد، تاکنون انسان نسبت به این معلومات تأمل می کرد و با منطق فقاقت وارد می شد.

وی با بیان این سؤال که آیا هوش مصنوعی مانند برخی مشاغل می تواند جایگزین فقیه و یا در ادیان دیگر جایگزین کشیش شود، گفت: تاکنون گفته اند که نمی شود از هوش مصنوعی تقلید کرد، حتی اگر قابلیت فکر کردن داشته باشد و یا بتواند تحلیل کند، نمی توانیم به او اعتماد و اطمینان کنیم. به دو دلیل نمی توان اعتماد کرد؛ یکی اینکه در روایات ائمه اطهار(ع) آمده که باید از انسانی که محبت اهل بیت(ع) دارد و در زمینه امور ولایت کار کرده است، تبعیت کرد. شاید برخی بگویند، هوش مصنوعی در آن زمان نبوده و اگر قابلیت ایجاد شود، با توجه به ضریب خطای اندکی که دارد، می تواند جایگزین شود. اما دلیل دیگر و قابل تأمل این است که هوش مصنوعی براساس برنامه ای که به آن داده شده، فکر و حرکت می کند و همه مسائل در قالب کد و قوانین ریاضی است و غیر از آن را متوجه نمی شود و از سویی مسئله اجتهاد و فقاقت مبتنی بر قواعد نیست، یعنی دارای موضوعات و مسائلی است که پیش از این به وجود نیامده است و در تاریخ فقه نمونه نداشته است.

حجت الاسلام رفیع پور تهرانی گفت: در مبانی فقهی، یکسری عناصر مشترک و یکسری عناصر مختص داریم و شاید بتوان عناصر مشترک را به هوش مصنوعی یاد داد، اما مسائل خاص و برداشت های عرفی و ذهنیت هایی که باید داشته باشد را نمی توان یاد داد. برخلاف تصور عامیانه ای که داریم، ما هوش مصنوعی نداریم، بلکه هوش های مصنوعی داریم که کشورها، ادیان و مذاهب گوناگون با هوش های مصنوعی مواجه هستند و نمی توانیم فیلتر کنیم و بگوییم از هوش مصنوعی مورد نظر ما استفاده کنید. بنابراین می توانند آیات و روایات را جور دیگری بچینند و جامعه را به سمت خود ببرند و چه بسا همواره ما در چنین مسائلی، چند گام عقب هستیم. اگر ما می توانستیم برنامه ای را در اختیار همه قرار دهیم، خدمت بزرگی به دینداری جامعه می کردیم تا جامعه بتواند در هر شبانه روز پاسخ مسائل خود را دریافت کند.

وی ادامه داد: هوش مصنوعی مخلوق انسان است و تمام درصد خطاهایی که در برداشت انسانی وجود دارد، می تواند با هوش مصنوعی گرفته شود. براساس نظر برخی فقیهان معاصر، امتیاز اصلی اجتهاد که براساس آن فتوا می دهد، درک روح شریعت است.